امثال فارسی افغانی درباره زنان

مقتدری، محمد تقی

برادران افغانی که با ما ایرانیان بحکم سابقه تاریخی دیرین اشتراک فرهنگی و سنن‏ باستانی دارند و لذا کشور عزیزشان مهد یک تمدن کهن و معتبر است ضرب المثل‏های جالب‏ و آموزنده‏ای در بین خود دارند که درخور بررسی و دقت است و همگی حاکی از طرز تفکر و عقاید و قضاوت طبیعی افراد در مسائل مختلف بوده و درواقع برخورد جامعه را با هر موضوع خاص اعم از اینکه فردی باشد یا اجتماعی و غیره روشن میسازد و نمونه و معرف‏ جنبه‏های گوناگون تصورها و تعبیرها و الهام و معاشقه و کنایه‏ها و ایهام و عکس العمل‏های‏ مردم است و نمایشگر اندیشه و عادت‏ها و رسوم و نماینده ذوق و ادب و روح و فرهنگ باستانی‏ آن ملت است.

این امثال را که ضرب المثل یا مثل یا متل یا متلک و در زبان‏های اروپائی:

expression,proverbc,maxim,diom

میگویند و همه جمله‏های کوتاه و مؤثر قدیمی است که برای استدلال یا عذرخواهی یا بهانه‏ آوردن یا ختم جدال و بحث،یا تنبیه و تنبه یاشتم و سرزنش یا طلب بخشش یا وارستگی‏ و استغنا و آزادگی یا تشویق و ترغیب و تهییج یا تمسخر یا حاضرجوابی یا مطایبه و امثال‏ آنها بکار میرود و همانند یک وسیله‏عمومی از طرف خوردوکلان و عالی و دانی و جاهل‏ و عالم و کشاورز و کاسب و شهری و دهاتی و کارگر و خلاصه از طرف هر طبقه و گروهی و بقدر فهم و استعداد و معلومات و دانش او بکار برده میشود.

این مثال بعضی اوقات ضد و نقیض هم هست ولی بهرحال برخورد اندیشه‏ها و قضاوتهای یک جامعه محسوب است،اینها اغلب ناشی از یک اتفاق و حادثه بوده بعدا بتدریج از طرف مردم قبول شده و در جامعه باقی مانده و قسمتی از ادب عامه را شکل‏ داده است و شاید در اوائل هم شکل فعلی را نداشته است لکن بتدریج از خلال آسیا سنگ‏ زمانه و از غربیل دوران گذشته و تصفیه شده و دهن‏بدهن گشته و باب ذوق افراد و طبق‏ طبع مردم شده و از خلال قرون و اعصار زنده مانده و بهرحال یادگار نیاکان و خرمندان و خوش‏ذوقان و طیبت طبعان ماست و جزئی از گنجینه ادب و ماترک ملی و قسمتی از فرهنگ و گوشه‏ای از هنر و ادب قوم محسوبست و در جهان دانش‏پژوهی حائز اهمیت خاص و ارزش‏ ویژه و بهمین جهت در مباحث مردم‏شناسی مورد علاقه و توجه دانشمندان خوش‏ذوق و علاقمندان دل‏آگاه است.

باری همچنانکه در ایران و نزد هر ملت قدیمی دیگر معمول است در افغانستان هم‏ ضرب المثل‏های بسیار و متعدد و شیرین و جالب وجود دارد که از ازمنهء قدیم نسل به‏ نسل و زبان به زبان بزمان ما انتقال یافته و بطوری که در بالای گفته شد قسمت عمده‏ای از فرهنگ عامیانه و"فولکلور"و ادب و فرهنگ مشترک دو ملت است.

البته در آن سرزمین مهمان‏دوست امثالی به زبان پشتو هم رایج است که قرابت و نزدیکی زیادی با سایر امثال فارسی دارد و عده‏ای از آنها را که من بنده شنیدم و مقایسه‏ کردم بسیار لطیف و زیبا یافتم چنانکه میگویند"دودی ز ما خوی چوچویه سلاخ‏خان کوی‏" "دودی‏"با کسر سوم نان است و"چوچو"بمعنی عوعو و صدای سک است‏"خوی‏"با کسر اول یعنی میخوری و"کوی‏"با کسر اول بمعنی می‏کنی است رویهمرفته یعنی نان ما را میخوری‏ و در سلاخ‏خانه پاسداری میکنی به کسی میگویند که از شخصی احساس می‏بیند ولی خدمتگزار و ستایشگر دیگری باشد-نان ز ما میخوری و خدمت دونان بکنی،ما هم نظیر همین ضربه‏ المثل را در فارسی داریم و ملاحظه میشود که چقدر این ضرب المثل پشتو زیبا و پرمعنی‏ و شکل ظاهر آن هم موزون و دارای آهنگ و زیبائی است.

من بنده چند سالی که توفیق خدمت در سفارت شاهنشاهی در کابل را در سمت‏های‏ مختلفی داشتم در خلال ایام و ساعات فراغت بجمع‏آوری ضرب المثل‏ها پرداختم و شکر خدای را که پس از ده سال صرف قسمتی از عمر چندین‏هزار مثل گردآوری شد که مورد توجه‏ دانشمندان و ارباب ذوق و هنر قرار گرفت.

در میان این امثله تعدادی هم راجع به زنان است یا کلمات مادر و دختر و امثال‏ آنها در آن استعمال شده و اکنون در معرض ملاحظه و مطالعه خوانندگان عزیز گذاشته میشود بطوریکه ملاحظه میفرمایند پاره‏ئی اختلافات در برخی از واژه‏ها وجود دارد که توضیحات‏ راجع بآنها نیز قید شده است.

اگر برخی ازین امثال علیه بانوان است با کمال معذرت باید گفته شود که نظر و غرض‏ خاصی نبوده و با نهایت احترامیکه نسبت به طبقه شریفه نسوان دارم و آنان را رکن محکم‏ اجتماع و عامل موثر جامعه و زاینده و مربی مردان بزرگ می‏شناسم و حق بزرگی بر جامعه‏ و افراد ان دارند لکن فقط از نظر اشاعه قسمتی از فرهنگ عامه اقدام باین کار شده و مقصودی جز خدمت به بسط مناسبات فرهنگی فیما بین و حفظ این اصطلاحات از دستبرد حوادث زمان نبوده و نیست.